هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم



قیام هایی که در تاریخ افغانستان در دوره های جهاد صورت گرفته، سرمایه های ملی و افتخارات تاریخی ماست که نباید فراموش شوند، بلکه باید آن ها را به عنوان یک درس به نسل های بعدی انتقال دهیم.

از فرموده های شهید صلح استاد ربانی

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و ششم ٦حوت ۱۳۹۰ ۳ ربیع الثانی ١٤٣٣ - 25 February 2012

صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان در همایش یادی از دو افتخار (شکست تجاوز و ۳ حوت قیام مردم کابل)

نادیده گرفتن افتخارات جهاد و مقاومت، جفای بزرگ در حق ملت سر افراز افغانستان است



حماسهٔ (الله اکبر) شب سوم حوت که فضای کابل را فرا گرفته بود، آغازی شد برای غلط ثابت کردن محاسبات اشغالگران و برداشت های قدرت های بزرگ از وضعیت افغانستان.

***

ملت های زنده، روزهای تاریخی و قهرمانی های خود را فراموش نمی کنند، روزهای تاریخی دوران جهاد نمایانگر وحدت ملی میان مردم این مرزوبوم بوده و یادآوری این روزها در حقیقت تقویت روحیهٔ وحدت ملی در کشور است.

***

مقدسات دینی برای مردم افغانستان از جایگاه والای برخوردار است. هر اقدامی که در آن به نحوی هتک حرمت به مقدسات مردم افغانستان صورت گیرد، قابل قبول نیست. ص۳

از سوی جمعیت اسلامی افغانستان

از دو افتخار (شکست ارتش اشغالگر روس در ۲۶ دلو ۱۳۶۷ و حماسهٔ سوم حوت۱۳۵۸ شهریان کابل) تجلیل به عمل آمد

ص۶



رئیس جمهور و اعضای شورای ملی، طی نشستی

رخداد بگرام را محکوم نمودند

پس از آن که رویداد تکان دهندهٔ سوزاندن قرآنکریم در بگرام توسط یک افسر امریکایی انجام شد، تظاهرات مردمی و سرو صداهای را در محافل مختلف بلند نمود. در این رابطه حکومت افغانستان فیصله نمود، تا با اعضای هر دو اتاق شورای ملی صحبت نماید.

حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در دیدار با اعضای شورای ملی گفت که، حادثهٔ ناگوار سوزاندن قرآنکریم در مرکز نظامی بگرام توسط یک افسر امریکایی از روی نادانی و نا فهمی صورت گرفته و حکومت امریکا اشتباه این افسر خود را پذیرفته است.

در دیداری که قبل از ظهر روز پنجشنبه تاریخ ۴ حوت در ارگ ریاست جمهوری انجام شد، رئیس جمهور طی صحبتی گفت که، شما و مردم افغانستان صدای برحق تان را بلند نمودید و حکومت امریکا نیز در این رابطه به زودترین فرصت دست به کار شد و از حکومت و مردم افغانستان معذرت خواست.

رئیس جمهور کشور افزود: ما از آنها می خواهیم که چنین اعمال نه تنها در آینده تکرار نگردد، بلکه نیروهای بین المللی صرف کار های را انجام دهند که سبب التیام بخشیدن درد و رنج مردم ما گردد.

حامد کرزی گفت که، حکومت هیأتی را به ریاست مولوی محی الدین بلوچ و نمایندگانی از شورای سراسری علمای افغانستان و وزارت حج و اوقاف جهت تحقیق و بررسی این حادثه به بگرام اعزام کرده است که پس از ارائهٔ گزارش هیأت، دولت افغانستان در زمینه فیصله خواهد کرد.

حامد کرزی در مورد سفر اخیرش به پاکستان نیز صحبت کرده گفت که با مقامات حکومتی و تمام جوانب مطرح سیاسی و مذهبی پاکستان، دیدار های همه جانبه داشته است.

سپس عبدالرووف ابراهیمی رئیس ولسی جرگه گفت که ولسی جرگه افغانستان در اعتراض به سوزاندن قران کریم جلسهٔ عمومی خود را معطل کرد و ضمن محکوم کردن این عمل شنیع از دولت، سازمان ملل متحد و جامعهٔ جهانی خواست که عاملین آنرا مجازات نموده، از عدم تکرار آن در آینده تضمین نمایند.

رئیس ولسی جرگه در ادامه صحبت هایش از نیروهای بین المللی خواست که در اجرای عملیات های شان از دقت کامل کار بگیرند.

قابل یاد آوری است که در نتیجه تظاهرات مردم بیش از ۲۰ نفر از هموطنان ما کشته و زخمی شدند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ٠٧٨٨٤٠٨٦٣٥ / ٠٧٧٢٠٣٦٤١٢
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

توهین به مقدسات قابل قبول نیست

هفتهٔ گذشته شاهد راهپیمایی تعدادی از هموطنان مان در مرکز و ولایات بودیم که به خاطر به آتش کشیدن قرآن کریم در میدان هوایی بگرام از سوی نیروهای خارجی، دست به اعتراض زدند. در این تظاهرات تعدادی هموطنان ما کشته و زخمی شدند. دولت افغانستان نیز در این زمینه واکنش تندی نشان داد و این عمل خارجی ها را به شدت تقبیح نمود.

آقای صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان نیز در نکوهش این رویداد گفت: «مقدسات دینی برای مردم افغانستان از جایگاه والای برخوردار است. هر اقدامی که در آن به نحوی هتک حرمت به مقدسات مردم افغانستان صورت گیرد، قابل قبول نیست. ما حادثهٔ بگرام را محکوم می کنیم و از دولت افغانستان و ایتلاف بین المللی تقاضا می کنیم که در مورد تحقیق این رخداد، تلاش جدی به خرچ دهند. و همچنان از مردم متدین و مسلمان افغانستان می خواهیم که در برخورد با این قضیه از خشونت کار نگیرند.»

در نتیجهٔ ارزش زدایی ها و توهین به مقدسات بود که مردم مسلمان افغانستان چهارده سال تمام در برابر اردوی سرخ اتحاد شوروی سابق و ایادی شان، دست به جهاد زدند، تلفات مالی و جانی را متقبل شدند. مردم مجبور به ترک دیار شان شدند، اما از دین، ارزش ها، نوامیس ملی دفاع نمودند که سرانجام این جانبازی شان به ثمر رسید و دشمنان دین را به شکست واداشت.

این عمل نابخشودنی که از طرف نیروهای امریکایی خارجی مستقر در میدان هوایی بگرام انجام شده، توهین به مقدسات میلیاردها مسلمان روی زمین است. این بار نخست نیست، سال پیش نیز در واکنش به اعلان آتش سوزی قرآن کریم توسط کشیشی در ایالت فلوریدای امریکا، مردم مسلمان ما به خشم آمدند و راهپیمایی نمودند که با نفوذ دشمنان در میان مظاهره چیان، پی آمد ناگواری را در دفتر سازمان ملل در مزارشریف شاهد بودیم.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالی که توهین به مقدسات و ارزش های اسلامی را از سوی هر کی باشد، به شدت تقبیح و محکوم می نماید، اما اعتراض و راهپیمایی را مطابق قانون اساسی و دفاع از اسلام را حق مردم مسلمان کشور می داند. در این راستا از مردم می طلبد، خویشتن داری خود را حفظ نمایند و راه مسالمت آمیز را در پیش گیرند، تا نشود از احساسات پاک شان، دشمنان در کمین نشستهٔ مردم افغانستان بهره گیرند و مردم دردمند ما بیش از پیش آسیب ببینند و به مال و جان شان صدمه وارد شود.

از دولت می خواهیم تا این قضیه و سایر رخدادهایی را که سبب رنجش و آزار مردم می شود را تحقیق و پیگیری جدی نموده، عاملان آن را که باعث رنجش مسلمانان کشور و جهان اسلام گردیده است، به محاکمه بکشاند.

انتظار مردم از خانهٔ ملت

◆اندیشه

هفتهٔ گذشته مجلس نمایندگان یک بار دیگر شاهد کشمکش های داخلی بود. جار و جنجال ها یک روز پس، زمانی به درگیری های فزیکی تنی چند از وکلای مردم منجر شد که دو وزیر کابینهٔ آقای کرزی در جلسهٔ استیضاحیهٔ روز شنبه که قرار بود سلب اعتماد شوند، صحت و سلامت به وظایف شان ابقا شدند.

به تعقیب این رخداد، مجلس حالت بحرانی به خود گرفت و یک تعداد آنان بقیه را متهم به معامله گری و اخذ رشوت نمودند.

عبدالرحیم ایوبی نمایندهٔ قندهار خود را با غُل و زنجیر بسته وارد اتاق ولسی جرگه گردید. اما با پا درمیانی هیأت اداری مجلس زنجیرهای او باز شد و به اعتصاب او که در نوع خودکم سابقه بود پایان داده شد. طی هفتهٔ گذشته وزرای عدلیه، حج و اوقاف، اطلاعات و فرهنگ، شهرسازی و مسکن و سرپرست وزارت ترانسپورت در جلسهٔ استجوابیهٔ مجلس نیز حاضر شده به پرسش های نمایندگان در رابطه به موضوع عدم مصرف بودجه پاسخ گفته اند.

اما آنگونه که در رسانه ها نشر شد، ارائه جواب ها از سوی وزراء قناعت نمایندگان را فراهم نکرد و تفاوت های کمی را در مقایسه با آنچه که وزیر مالیه در جلسهٔ استیضاحیه ارائه نموده بود، در برداشت.

این در حالیست که پس از دو سال انتظار لست وزرای که تا هنوز رأی اعتماد از سوی مجلس نمایندگان کسب نکرده اند، به تازگی جهت اخذ رأی اعتماد به ولسی جرگه معرفی شده است.

نامزد وزیران در حالی برای گرفتن رأی اعتماد نماینده های مردم معرفی می شوند که از دو سال به این طرف هفت وزارت از سوی سرپرست ها اداره می گردد. در لست که به رسانه ها رسیده است آنقدر تغییرات چشمگیر به نظر نمی رسد. آقای کرزی این بار دو نفر دیگر را به حیث نامزد وزیر معرفی نموده است که یکی آن، آقای ویس برمک به حیث نامزد وزیر وزارت انکشاف دهات و انجینر نجیب الله اوژن به حیث نامزد وزیر فواید عامه معرفی شده اند.

در میان افراد معرفی شده، تنها آقای اوژن چهرهٔ جدید است که تجربهٔ تلخ ناکامی را در پارلمان افغانستان نچشیده است. اما ۸ نفر دیگر کسانی اند که در دور گذشته رأی کافی برای احراز پست وزارت به دست نیاوردند. بدین گونه تغییرات به بار آمده برطرفی دو وزیر برحال کابینه، یعنی آقای جارالله منصوری وزیر انکشاف و دهات و انجینر عبدالقدوس حمیدی وزیر فواید عامه می باشد.

قابل یاد آوریست در لستی که از سوی وزارت پارلمانی، به ولسی جرگه رسیده است تمام نامزد وزیران رأی نیاورده، بار دیگر از سوی رئیس جمهور معرفی شدند.

نامزد وزیران معرفی شده عبارت انداز: آقای عبیدالله عبید سفیر کشور در ایران به حیث نامزد وزارت تحصیلات عالی، داکتر حسن عبداللهی به حیث نامزد وزیر شهرسازی، بانو داکتر ثریا دلیل به عنوان نامزد وزیر صحت، امیر صاحب اسماعیل خان نامزد وزیر انرژی و آب، داکتر حسن بانو غضنفر به حیث نامزد وزیر امور زنان.

خبر معرفی نامزد وزیران در حالی منتشر می گردد که قرار است وزرای کابینهٔ آقای کرزی به دلایل مختلف، از سوی ولسی جرگه استیضاح و استجواب شوند. روندی که شاید به ماه ها طول بکشد و جنجال های زیاد سیاسی را درپی داشته باشد. چندی پیش عبدالستار خواصی منشی اول مجلس گفته در تماس با رسانه ها گذشته بود روند دادن رأی اعتماد به نامزد وزیران، پس از تکمیل شدن آجندای طرح استیضاح و استجواب وزراء آغاز می گردد.

برخی از کارشناسان می گویند که با توجه به پیشینه و عدم کارکردگی برخی از این نامزد وزیران، احتمال دارد که این بار نیز اکثریت آنان رأی کافی به دست نیاورند. اما در عین حال برخی ها بدین باور هستند که مجلس کنونی بر خلاف مجلس گذشته، تمایل چندانی برای رد و طرد نامزد وزیران را ندارد. زیرا این مجلس به دلیل ضعف های ماهوی و چالش های داخلی که دامنگیر شان می باشد، نمی تواند در چانه زنی های سیاسی و تشخیص کادر های کار آزموده با دست توانا عمل نماید.

در صورتی که این نامز د وزیران رأی اعتماد نگیرند، بیم آن می رود که آقای کرزی نتواند تاآخرین فرصت های زمانی، کابینهٔ خود را تکمیل نماید و درآن صورت ترجیح دهد حکومتش را توسط سرپرست وزیران برای سه سال دیگر اداره نماید.

آنچه که برای مردم افغانستان مهم است رأی آوردن و نیاوردن، عزل و نصب افراد نیست، بلکه مهم این است که چگونه تغییرات کیفی را در زندگی شان لمس نمایند.

در این لحظات تاریخی چشم امید و توقع مردم از نمایندگان شان این است که در روند رأی دهی و یا راهکارهایی دیگری، مانند استیضاح و استجواب وزراء، مصالح ملی و عمومی را در نظر گرفته در فکر انتخاب چهره هایی باشند که اهلیت، شایستگی و توانایی کار را دارا باشند.

کانکور
سال ۱۳۹۰

ادامه از صفحهٔ ۸

مرعی الاجراء می باشد که به هیچ وجه نمی تواند جوابگوی این همه تقاضا هایی بر حد و حصر جهان معاصر را در خود داشته باشد؛ به رنگ نمونه سن و سال باز نشستگی، مقدار معاش، فعالیت های علمی، جذب در تحصیلات عالی و سائر موضوعات مهم به قانون جدید مربوط می گردد که در این وزارت وجود ندارد و طی چند سال پارلمان کشور نتوانست نظر به جو حاکم قانون تحصیلات عالی را به تصویب برساند که یکی از دشواری هایی مهم تحصیلات عالی در کشور می باشد. هیچ چیز بدتر از این نیست که یک وزارت در خلاء قانونی زندگی نماید. از این که سن و سال بازنشستگی در تحصیلات عالی وجود ندارد، جریان جذب کدرهای جدید در این وزارت را سد ساخته است، نبود بست کمبود، کمبود تشکیل و عدم علاقه به کدرهای جدید، جریان تدریس را با همان روال دهه های گذشته حفظ نموده است.

از سوی دیگر در دیپارتمنت های مختلف پوهنتون های دولتی و موسسات تحصیلات عالی در کشور یک تعداد اشخاص و افراد این دیپارتمنت ها را به گروگان گرفته اند، نه تنها این استادان قادر نیستند جریان تدریس را ارتقاع بخشند؛ بلکه مانع پیشرفت در تحصیلات عالی نیز گردیده اند؛ زیرا این ها نه خود قادر اند، تا خواسته های دانشجویان را بر آورده سازند و آنها را راضی نگهدارند و نه حاضر اند صحنه را برای دیگران ترک نمایند و نظر به نبود بست و دلسوزی، کدرهای جدید نمی توانند داخل این حصار آهنین گردند، تا زمانی که قانون تحصیلات عالی مطابق نیاز زمان ساخته نشود و سطح مطالعات از دانشجو و استاد بلند برده نشود، امید در جهت کیفیت تحصیلات عالی در کشور وجود نخواهد داشت؛ زیرا تعدادی از فارغان تحصیلات عالی، قادر نیستند تا از مفاد ساینس و تکنالوژی جدید استفاده نمایند و یا خود را در مارکیت کار آماده رقابت سازند. توجه به تحصیلات عالی در حقیقت توجه به آیندهٔ کشور است؛ زیرا جوانان آینده کشور اند باید به آنها صمیمانه دلسوز بود و آنها را رهنمایی کرد تا آینده کشور را درست رهبری نمایند.

بر اساس برآورد وزارت تحصیلات عالی امسال در حدود بالا تر از ۶۰هزار جوان بی سرنوشت خواهد ماند؛ در حالیکه دولت به نیروی کار مسلکی نیاز دارد و به همین منظور دولت در سال روان ده میلیون دالر را برای تحصیل دانشجویان افغانستانی در کشورهای خارجی اختصاص داده اند. سالانه در حدود ده الی یازده هزار از موسسات تحصیلات عالی سند فراغت به دست می آورند، در حالیکه دولت و سکتورهای خصوصی برای آنها زمینهٔ اشتغال را فراهم نساخته اند. چیزی که برای جوانان بسیار دردآور است، نبود اشتغال و کار می باشد و همه ساله زمینه های کار و اشتغال در کشور محدود می گردد.

صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان در همایش یادی از دو افتخار (شکست تجاوز و ۳ حوت قیام مردم کابل) گفتند:

نا دیده گرفتن افتخارات جهاد و مقاومت، جفای بزر گ در حق ملت سر افراز افغانستان است



مجاهدین عزیز، قهرمانان جهاد و مقاومت، علمای محترم، اعضای محترم کابینه، وکلای محترم پارلمان، جوانان عزیز، خواهران و برادران گرامی!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

افتخار دارم که به مناسبت تجلیل و گرامیداشت از دو حماسهٔ تاریخی در میان شما قرار دارم. حماسهٔ نخست، ۲۶ دلو، سالروز شکست نیروهای ارتش سرخ شوروی سابق از افغانستان است و حماسهٔ دوم، قیام سوم حوت است که درین روز، مردم متدین شهر کابل شهکاری و رشادتی بزرگی را ثبت تاریخ زرین انقلاب اسلامی کردند.

ملت های زنده، روزهای تاریخی و قهرمانی های خود را فراموش نمی کنند، روزهای تاریخی دوران جهاد نمایانگر وحدت ملی میان مردم این مرزوبوم بوده و یادآوری این روزها در حقیقت تقویت روحیهٔ وحدت ملی در کشور است.

این حماسه ها متعلق به گروه، قوم یا پیروان یک مذهب خاص نیست، بلکه افتخار جاویدان ملت بزرگ افغانستان است، بنابرین در حفظ این دستاوردهای بزرگ، همه مسوولیت مشترک داریم.

در بسیاری از کشورها، روزهای تاریخی و شخصیت های تاریخی، حریم غیر قابل تعرض دارند و هرگونه توهین به آنان توهین به ارزشهای تاریخی شان تلقی می شود، بنابرین ما هم باید پاسدار واقعی این ارزشها باشیم.

ارتش متجاوز شوروی سابق در نتیجهٔ جهاد و پایمردی دلیر مردان و شیر زنان این سرزمین، مجبور به خروج از افغانستان گردید. دلیر مردان و شیر زنانی که در راه دفاع از ارزشهای دینی و حفظ تمامیت ارضی کشورعزیزمان جان های شیرین شان را فدا کردند.

ملت مسلمان افغانستان با اتکا به نیروی ایمان توانست بزرگترین ارتش دنیا را شکست دهد و در نتیجهٔ این مجاهدت بود که تلاش و مبارزهٔ مردم مان علیه اشغالگران شوروی سابق در افغانستان، به مثابهٔ نماد آزادیخواهی در سراسر جهان مورد احترام و تحسین قرارگرفت.

در یک نگاه کوتاه به تاریخ ارتش سرخ در می یابیم که اهداف تجاوز شوروی وقت به افغانستان، گسترده تر از آن بود که این قدرت در۲۶ دلو افغانستان را ترک کند و در اوایل تجاوز، حتی قدرت های بزرگ دنیا کار افغانستان را ختم شده خوانده بودند.

در سوم حوت ۱۳۵۸ قیام قهرمانانهٔ مردم کابل پایه های نظام کمونیستی و اشغالگران را به لرزه درآورد. **حماسهٔ (الله اکبر) شب سوم حوت که فضای کابل را فرا گرفته بود، آغازی شد برای غلط ثابت کردن محاسبات اشغالگران و برداشت های قدرت های بزرگ از وضعیت افغانستان.**

یقینا نقش نهضت اسلامی که استاد عالیقدر، رهبر شهیدمان از سکانداران اصلی آن بود، تاثیر به سزایی در این قیام پرافتخار ملی داشت. چنانچه در بعدها دیده شد جریان توفنده و تاریخ ساز که معادلهٔ جهان را تغییر داد، تحت قیادت رهبر شهید و دیگر جهاد مردان چون قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود، مرحوم محمد یونس خالص، مرحوم مولوی محمد نبی محمدی و بزرگان دیگری که در قید حیات هستند، به پیروزی رسید.

پس از پیروزی رستاخیز عظیم ملت افغانستان، دولت اسلامی که خواست و ارادهٔ مردم مسلمان افغانستان بود تشکیل شد، اما متأسفانه دشمنان این سرزمین نتوانستند پیروزی و آزادی مردم ما را تحمل کنند و با برنامه های مغرضانه سبب تداوم جنگ و بی ثباتی در کشور ما شدند که تا امروز دامنهٔ این بی ثباتی و خونریزی ادامه دارد.

خواهران و برادران عزیز!

آنچه در این مناسبت به وارثین جهاد و مقاومت و نسل های جوان کشور تأکید می نمایم این است که:

رستاخیز عظیم ملت مسلمان افغانستان به آسانی به دست نیامده است. پیروزی ملت افغانستان در مقابل ارتش اشغالگر و نظام دست نشاندهٔ شوروی با بهای بزرگی به دست آمده است و ما مسوولیت های بزرگی در ین زمینه داریم.

چنانچه از فرموده های رهبرشهیدمان است که: "این قربانی های مجاهدین افغانستان نباید ضایع شود، حوادثی که بعداً پیش آمد، یقیناً طبق خواست مردم افغانستان نبوده و سبب شده که یک سلسله نا بسامانی ها و مشکلات دیگری به میان بیاید، پیام من اینست که ازین به بعد باید برای ایجاد یک زمینهٔ جدید برای حیات ملی مان کار بکنیم و با حفظ ارزشها، به سوی وحدت ملی گام برداریم."

ملت مجاهد و مسلمان افغانستان با تقدیم نمودن حدود یک و نیم میلیون شهید، میلیون ها مهاجر و معلول و آواره، و از بین رفتن سرمایه های مادی و معنوی این سرزمین پیروزی را به دست آورده است.

ما قهرمانان جهاد و مقاومت را در راه دفاع از آزادی و عزت این ملت از دست داده ایم، ما رهبر نهضت اسلامی و رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان و شهید راه صلح، استاد برهان الدین ربانی را در راه دفاع از عزت و کرامت این سرزمین از دست داده ایم.

متأسفانه در حال حاضر افتخارات و قربانی های بی دریغ ملت مسلمان افغانستان به باد فراموشی گرفته می شود، از مجاهدت ها و افتخارات بزرگ شهدا و قهرمانان جهاد و مقاومت ارج گذاری شایسته صورت نمی گیرد، تلاش ها و برنامه های پنهان و آشکار در جهت هویت زدایی و حافظه زدایی ملت ما جریان دارد تا رابطهٔ نسل های موجود وآیندهٔ این ملت را با افتخارات نیاکان شان قطع سازند. تلاش های مذبوحانه ای صورت می گیرد تا جهاد و مقاومت پر افتخار ملت مسلمان افغانستان فراموش شود.

برادران و خواهران!

درچنین شرایط و اوضاع بر وارثین راستین جهاد و مقاومت است تا وجیبهٔ دینی و ملی خود را ادا نمایند و بار امانت سنگین شهدای عزیز را به درستی به منزل مقصود برسانند. ما باور داریم که نا دیده گرفتن افتخارات جهاد و مقاومت، جفای بزرگی در حق ملت سر افراز افغانستان و تاریخ این مرز و بوم است.

ملت مسلمان و مجاهد افغانستان قربانی های بزرگی را در راه صلح و ثبات کشور تقدیم نموده است و ما برای صلح و ثبات دایمی و با افتخار از هیچ گونه تلاش و فدا کاری دریغ نخواهیم ورزید، باور ما برین است که برقراری صلح، امنیت را به بار آورده و امنیت زمینهٔ توسعه را در همهٔ ابعاد آن آماده می سازد، که ملت ما در شرایط کنونی سخت به آن نیاز دارد.

ما به ادامهٔ راه رهبر شهیدمان که می فرمودند " نباید از صلح هراس داشت از جنگ باید ترسید" صلح را یگانه راه حل مشکل موجود در کشور خود می دانیم. صلح و تامین امنیت عمده ترین ضرورت و نیاز ملی ما است ، البته باید تاکید نمایم که ما صلحی می خواهیم که در آن وحدت ملی، تمامیت ارضی و عدالت تامین گردد و ارزش های جهاد و مقاومت پاس داشته شود.

لازم می دانم تا با استفاده از فرصت موجود، مواردی را در مورد جمعیت اسلامی افغانستان تذکر دهم.

جمعیت اسلامی افغانستان دو موضوع مهم را در اولویت برنامه های کاری خود دارد که، عبارتند از جریان تحقیقات شهادت استاد عالیقدر و تدویر کنگرهٔ حزب.

نخست می خواهم مواردی را در رابطه به جریان تحقیقات قضیهٔ شهادت استاد عالیقدر به شما یاد آورشوم. از همان روزهای نخستین شهادت رهبر شهید، جمعیت اسلامی به صورت جدی این قضیه را پیگیری می نماید. پس از به دست آمدن نتایج اولیه از طرف ارگان های امنیتی، این قضیه به صورت جدی در کنفرانس استانبول در حضور زعمای سه کشور، از طرف رهبری جمعیت اسلامی مطرح شد که در نتیجهٔ آن مقامات پاکستانی آمادگی پذیرفتن هیأت افغانی را جهت پیگیری قضیه ابراز نمودند.

چنانچه بعد از رفتن هیأت افغانی به اسلام آباد، و جریان تعقیب این قضیه، هیأت پاکستانی نیز به کابل سفر کرد که در ادامهٔ این تلاش ها نتایجی نسبی به دست آمده است. اما این قناعت ما را فراهم نمی کند.

جمعیت اسلامی یک بار دیگر از دولت افغانستان و جانب پاکستانی می خواهد که در حصهٔ پیگرد قضیهٔ شهادت رهبر شهید تلاش جدی نمایند و ما باور داریم که روشن شدن قضیه شهادت استاد شهید، به پروسهٔ صلح در افغانستان کمک می کند.

موضوع دیگری را که لازم به ذکر می دانم، تدویر کنگرهٔ جمعیت اسلامی افغانستان است که از خواست ها و برنامه های اساسی جناب استاد شهید در زمان حیات شان بود.

پس از عهده دار شدن سرپرستی رهبری جمعیت اسلامی، به ادامهٔ کارهای که در زمان حیات رهبر شهید صورت گرفته بود، به مشورهٔ اعضای شورای رهبری جمعیت اسلامی، تصمیم گرفتیم تا تلاش صورت گیرد که در فرصت ممکنه کنگرهٔ جمعیت اسلامی دایر گردد.

جمعیت اسلامی افغانستان قدرتمندترین حزب افغانستان است و این قدرتمندی منشاء از وحدت و یکپارچگی اعضای این حزب بزرگ می گیرد. من به عنوان سرپرست رهبری جمعیت اسلامی به تمام اعضای این حزب مقتدر اطمینان می دهم که در راه انسجام هرچه بیشتر این حزب، تلاش خواهم کرد.

موضوع دیگر که می خواهم به آن اشاره کنم، جریانی است که دو روز پیش در بگرام اتفاق افتاد.

مقدسات دینی برای مردم افغانستان از جایگاه والای برخوردار است. هر اقدامی که در آن به نحوی هتک حرمت به مقدسات مردم افغانستان صورت گیرد، قابل قبول نیست. ما اتفاقی را که در بگرام افتاد، محکوم می کنیم و از دولت افغانستان و ایتلاف بین المللی تقاضا می کنیم که در مورد تحقیق این رخداد، تلاش جدی به خرچ دهند. و همچنان از مردم متدین و مسلمان افغانستان می خواهیم که در برخورد با این قضیه از خشونت کار نگیرند.

در اخیر یک بار دیگر بیست و سومین سالگرد پیروزی پر افتخار ۲۶ دلو و حماسهٔ سوم حوت ۱۳۵۸ را به همهٔ شما و ملت مسلمان افغانستان تبریک و تهنیت عرض می نمایم.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی



تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل رح

تشریف جهان

زتشریف جهان بیدل به عریا نی قناعت کن
که گل این جا همین یک جامه میابد پس از سالی

تصویرعمومی:

طوری که در نوشته های قبلی گفتیم که غزلیات حضرت ابوالمعانی بیدل رح دارای خصوصیات وممیزه های مشخصی بوده، متانت ترکیب کلمات، موجودیت آهنگ لطیف ومفاهیم عالی اشعارش را از اشعاردیگران متمایزمیسازد وجست وجوگرصاحبدل ازهرکوچهٔ این قلمرو بیکران، جهانی از معنی را درک میکند. بیت برگزیدهٔ ما درمحور«قناعت» میچرخد.

دانشمندان وفرهیخته گان خیراندیش جهان همیشه کوشیده اند انسان را به طرف این صفت عالی وممتاز سوق دهند وازحرص وآز باز دارند. زیرا، روشن ضمیران را عقیده براین بود که همهٔ شرارتها، تجاوزها وبدبختیها، ناشی از زیاده طلبی وعدم قناعت است. فردی که حریص است، همیشه میخواهد به هرشکل ممکن واز هرنگاه زیادت حاصل کند. سلطانی که حریص است وحرص قدرت طلبی وجاه وجلال درضمیرش بیداد میکند وجهان را به آتش وخون میکشد، پیشوا ورهبری که در دامهای جاه طلبی وشوکت خواهی اسیر گشته، کارش زار است.

از نگاه روان شنا ختی نیز ا شخاص حریص وغیر قا نع همیشه دریک حالت بحرانی ووسوسه زنده گی میکنند.

بناءً درمثل میگویند ناداری که قناعت دارد، همه چیز دارد ودارنده ای که قناعت ندارد هیچ چیز ندارد.

حضرت ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل رح نیزبا همان شیوه وسبک به خصوصش، روی این صفت عالی وبرجسته مکثی شاعرانه وعارفا نه نموده وبا مبالغهٔ نهایت زیبا وظریف وبا ارائهٔ مثلی ازمحسوسات درتجسم مدعا اقدام نموده است.

کلمات ومفاهیم:

«تشریف جهان» یک ترکیب اضا فی زیبا وپرآهنگ است.

کلمهٔ تشریف ازمادهٔ «شرف» ساخته شده وبه مفهوم شریف گردا نیدن، برتری بخشیدن وبه معنی خلعت وخلعت دادن آمده است ومضاف به کلمهٔ جهان میباشد. بناءً تشریف جهان یعنی شریف گردانیدن جهان ویا خلعت بخشیدن جهان است، که البته نظربه کلمهٔ«عریان» که بعداً آمده است، معنی«خلعت بخشیدن» منا سبتر به نظرمیرسد.

دراستعمال کلمهٔ«عریانی» مبالغهٔ ظریفی مد نظرگرفته شده است ورعایت مبالغه ازاین نوع حتی درمحاورات روزمرهٔ ما نیزموجود است. مثلاً: برای کسی که حین صحبت هیچ حرفی نزند گفته میشود که ↔ازفلان کس غیراز خاموشی چیز دیگری شنیده نشد، که این جمله درحقیقت یک نوع مبالغهٔ زیباست، مبنی برخاموشی فلان. زیرا: خاموشی، لفظ وصوتی نیست که شنیده شود. همچنان«عریانی هم خلعت نیست که آن را شامل تشریف جهان سازیم. البته واضح است که این مبالغه مربوط میشود به قناعت ومفهومی که از آن دانسته میشود، اوج قناعت را به نمایش میگذارد.

انتخاب«گل» به حیث یک مثال ملموس ومحسوس دارای لطا فت خا صی است. بیدل رح خا طرنشان میسازد، که گل با وجودی که سمبول طراوت وزیبایی است، محبوب ومورد پسند همه است، عمری کوتاه دارد وازفرط لطا فت به کمترین عارضه متأثر میگردد. اما صرف درهرسال یک رتبه ازتشریف جهان مستفید میشود ولباس دریا فت میکند. پس لازم است که ما به هرآنچه که ازتشریف جهان رسیده قناعت تماییم وحسن زیبا طلبی را ازخویشتن نفی کنیم.

البته واضح است، که«قناعت» طوری که ظاهر موضوع متبا رزاست به مفهوم عطالت وتنبلی نیست. بل که هدف از قناعت راضی بودن صمیما نه است. به آنچه دارد که البته دراین صورت حرص {عدم قناعت} عبارت ازاندوه، وسوسه است، که قوهٔ عاقله را ازکار میا ندازد وابتکار راازانسان سلب میکند، که درنتیجه ازکارافتادن قوهٔ عا قله جنایات به وجود می آید واز نبودن ابتکار درکارها، عطالت وتنبلی ایجادمیگردد وبالعکس درقناعت ابتکار ونشاط به وجود می آید واین دوصفت عا مل عمدهٔ تداوم فعالیتها ودلگرمی درکارها میباشد.

خلاصهٔ مفهوم بیت:

انسان درمقابل تشریف وخلعت بخشی جهان نباید حریص باشد، بل که باید به «عریانی» یعنی به پایا نترین حد اقل قناعت کند. زیرا: گل با همه مزایایش درهرسال ازتشریف جهان صرف یک جامه میابد. پس انسان نباید درنوسا نات این تشریف، اندوه وغصه را به خود راه دهد. نا گفته نباید گذاشت، که این بیت رامیتوان ازدیگا ههای دیگر نیز توجیه وتفسیر نمود که ما برای جلوگیری از اطالهٔ کلام به همین قدر بسنده کردیم.

شعر غنایی در ادبیات فارسی دری

استاد عبدالعلی کوهی

کلمهٔ غنا به معنای سرود، موسیقی، نواختن و آواز خواندن آمده است؛ یعنی شعر که در یونان قدیم با یک نوع آلهٔ موسیقی (لیر) نواخته می شد، که بعداً به ادبیات اروپایی راه یافته است.

شعر غنای در زبان های اروپایی به نام (لیریک) یاد می گردد. و این آله (لیر) در زبان فارسی دری چنگ یا بربط گفته می شود که از گذشته بدینسو در سرزمین ما وجود دارد این آله از این سرزمین به یونان رفته است. در متون دینی آمده است که حضرت داوود (ع) مزامیر خود را با نوای بربط می نواخته است.

اروپاییان شعر را به حماسی، غنایی و نمایشی تقسیم نموده اند، شعر تعلیمی و وصفی را به گونه ی مستقل و جداگانه با سه نوع یاد شده آن یکی می دانستند؛ ولی عده ی به این دسته بندی موافق نبودند و به باور آنها شعر از نگاه موضوع به پنج بخش جداگانه؛ چون: غنایی، حماسی، نمایشی، تعلیمی و وصفی تقسیم نمودند؛ اما محققان در حوزهٔ زبان فارسی دری تقسیمات دقیق و همه پسند در مورد تقسیمات محتوای شعر فارسی دری ارایه نکرده اند. عده ی با الهام از تقسیمات اروپایی و خصوصیات شعر فارسی دری این شعر را به سه نوع عمده (شعر حماسی، غنایی و تعلیمی) تقسیم نموده اند. شعر غنایی با روح شاعر سر و کار دارد، در این نوع شعر شاعر آنچه را که به چشم و دل می بیند آن را به زبان عواطف بیان می دارد.

این عواطف شامل موضوعات گوناگونی؛ اعم از: عشقی- دینی، میهن دوستی، حسرت و کینه، رمز و راز، شکوه و حکایت، مرثیه و افتخار را شامل می گردد. به سخن دیگر شعر غنایی گزارشگر عواطف و احساسات عواطف می گردد و این گونه شعر کاملاً جنبه اجتماعی دارد و بدین رو شعر فارسی دری را شامل انواع حماسی، غنایی، تعلیمی، مدحی، دینی، انتقادی، مراثی، تهنیت، شکوه، وصف، قصص، مناظره عامیانه و محلی دانسته اند.

شعر غنایی به سروده های گفته می شود که به جای گفتگو از حوادث خارجی از هیجانات و احساسات روحی شاعر سخن می گوید. در شعر غنایی شاعر با نگاه عاطفی و احساسی به جهان پیرامون می نگرد و از میان سه عنصر مهم شعر که اندیشه، عاطفه و تخیل است، عنصر عاطفه و احساس مهم ترین جایگاه را در ساختار شعر غنایی ایفا می کند. شعر غنایی از لحاظ پیدایی خود سابقه ی بیشتری نسبت به شعر حماسی و نمایشی دارد. در ادبیات کلاسیک و قدیمی فارسی دری، نوع شعر غنایی بسیار وسیع و گسترده است؛ چنانکه اشعار عاشقانه (تغزل و غزل) اشعار عرفانی، اشعار مذهبی، هجو، مدح، وصف طبیعت، سوگنامه (مرثیه) گلایه (شکوایه) هزل، می نامه (خمریه) مناظره ، نحوه و غیره همه از مصادیق شعر غنایی گفته می شود و در بیشتر قالب های شعر در ادبیات کلاسیک اینگونه موضوعات دیده می شود، چنانچه در شعر حافظ موضوعات متنوع، غنای و تعلیمی با هم در آمیخته و منعکس شده است.

اشعار لیریک یا غنایی را مترجمین به جهت آنکه عرب ها از آن به شعر عاشقانه و عاطفی (الشعر الغنایی) نامیده اند، در فارسی در هم به آن (شعر غنایی) ترجمه کرده اند و آن را به دو معنا: اشعار عاشقانه و بزمی به کار برده اند.

به هر حال معادل قدیم شعر غنایی در زبان فارسی دری قالب غزل است، در شعر فارسی ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بث و شکوی، گلایه و تغزل و در قوالب غزل، مثنوی و رباعی و حتا قصیده مطرح می شود، اما مهم ترین قالب آن (غزل) است که همواره نمایانگر احساسات درونی شاعر است.

در غزل قهرمان اصلی آن معشوق است و قهرمان دیگر، عاشق و خود شاعر می باشد؛ زیرا شاعر معشوق را بهانه کرده، گلایه ها، آرزوها و احساسات خود را در آن مطرح می کند. شعر غنایی در ادبیات عموماً به دو معنی به کار می رود:

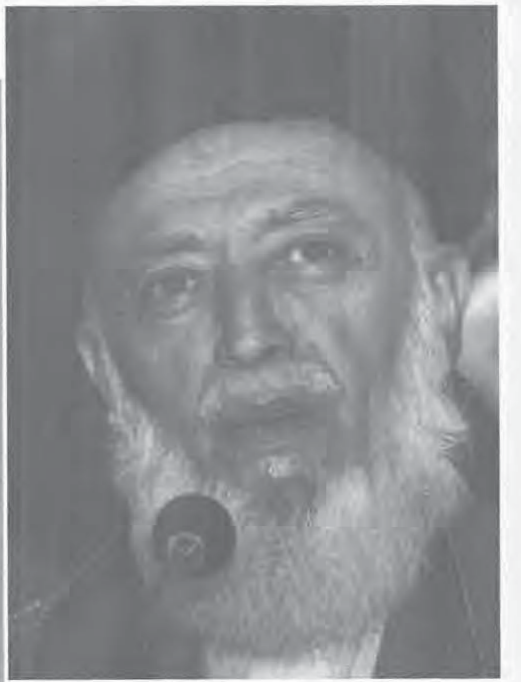
اشعار احساسی و عاطفی و اشعار عاشقانه. در ادبیات فارسی دری این معنای دوم (اشعار عاشقانه) بیشتر معروف و متداول است، در ادبیات عرفانی فارسی دری کاربرد واژه عشق و دوستی جنبه ی وسیع داشته و زیر بینای ادبیات فارسی دری را ادبیات غنایی می سازد. بسیار از عارفان بزرگ ما ادبیات عاشقانه تفسیر و تحویل عرفانی کرده اند و این مفهوم از تفسیر های شیخ ابو السعید ابو الخیر و اسرار التوحید که قدیمترین اثر عرفانی می باشد، هویداست.

شعر غنایی در ادبیات فارسی دری به سه نوع است، یا با معشوق زمینی رو به رو می باشد، مثلاً در بخش غزل، قصاید و غزلیات عاشقانه؛ مثل: اشعار رودکی سمرقندی، فرخی سیستانی و غیره و یا با معشوق ذهنی و خیالی مواجه است؛ مانند: غزلیات سعدی شیرازی و دیگران و یا با معشوق آسمانی در غزل های عارفانه و یا معنوی مواجه هستیم که اکثر غزلیات سنایی غزنوی، عطار نیشاپوری، عراقی، مولوی بلخی از آن شمار اند و گاهی هم به معشوق رو به رو می گردیم که گاهی زمینی است و گاهی آسمانی و نه این است و نه آن که نمونه ی آن را در غزلیات تلفیقی و دل انگیز حافظ شیرازی به وضوح می توان مشاهده نمود.

ادامه در شمارهٔ آینده

صلح، آرزوی استاد شهید

سید احسان الدین طاهری



اسلام دین سلم و صفا است و خود نام اسلام از ریشهٔ سلم مشتق است. دو واژهٔ صلح و سلم به کرات در قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته که معنی عمیق داشته و از اهمیت ویژه ای برخوردار اند. سلم در لغت به معنی دوری از آفات و بیماری های ظاهری و باطنی است. در قرآن مجید آمده است: (ابراهیم از جانب خداوند "ج") با قلب پاک و سالم از شرک برای دعوت مردم آمده است. این به معنی آن است که در قرآن کریم واژهٔ سلم با صلح و مسالمت مترادف است. در جای دیگر پروردگار عالمیان در کلام آسمانی چنین هدایت نموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در سلم و صفا داخل شوید.

این آیات کلام پاک نمایان می سازد که سلم به معنی سازش عادلانه و همزیستی بوده و اسلام انقیاد و تسلیم به اوامر حق تعالی را نمایان می سازد. این مبنای اندیشه و رفتار یک مسلمان است.

واژهٔ صلح در لغت به معنی مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت میان مردم را گویند و کلمات صلاح و صالح به معنی مطابق با عدل، اتفاق، شایسته و دور از هر گونه فساد می باشد. خداوند "ج" در قرآن کریم می فرماید: «به خداوند تقوا نموده و صلح میان خویش بر قرار نمائید» صلح محبت الهی و بستر تمدن ها است. این مقولهٔ مهم بدون رعایت عدالت اجتماعی در یک جامعه میسر نخواهد شد. ما زمانی به صلح سراسری پایدار و تمدن مبتنی بر ارزش های انسانی در افغانستان دست خواهیم یافت که مناسبات و بافت های اجتماعی با تار و پود عدالت گره خورده باشد.

به عبارت دیگر، صلح تنها نبود جنگ نیست؛ صلح واقعیت مبتنی بر خیرخواهی، پرهیزگاری، اعتماد، عدالت، گذشت و مقاومت در برابر غریزه های جنگ طلبی است که در هر زمان و مکان عشق و اشتیاق به آن در قلب همه بشریت وجود دارد. همچنان، در قاموس سیاست های کهنه و تحجر گرایانه یی زمامداران کمترین نشانی از آن نیافته اند. بنا بر این، صلح و عدالت دو مقولهٔ اند که در روابط اجتماعی و ایجاد جامعه سالم و مرفه نمی توانند از همدیگر جدا باشند.

عدالت، انتقام نیست بلکه، تصمیم گیری برای یافتن راه حل مناسب به سوی صلح آوری است. بعد از گذشت سه دهه جنگ و حاکمیت نظام های غیر مردمی، اکنون در مرحله گذار از جامعهٔ غیر عادلانه به سوی جامعهٔ مدنی و تا حدودی مناسب قرار داریم. ما اکنون در آغاز راه هستیم و هنوز بسیاری از مشکلات جامعهٔ ما ناحل شده باقیست. اما، جای سپاس است که توانسته ایم با کمک جامعهٔ جهانی، دارای نظامی شویم که دستاوردهای دههٔ گذشته نمایانگر آن است و این همه در طول تاریخ کشور بی سابقه تلقی گردیده است. ما باید این دستاوردها را درست نگه داشته و در توسعهٔ آن زیرکانه کوشش نماییم. زیرا، برای رسیدن به آنها مردم افغانستان قربانی های فراوانی را متقبل شده اند.

آخرین قربانی و مهمترین حادثه، شهادت پروفیسور استاد برهان الدین ربانی رهبر انقلاب اسلامی افغانستان است که ضایعهٔ بسا بزرگی بوده و این جبران ناپذیر است. شهید صلح آور و استاد صلحخواه که در تاریخ افغانستان تکرار مثلش کسی نبوده، رهبر خردمند، دورنگر، مصمم بر آرای مردم، انعطاف پذیر و سیاستمدار نرمگو بود. موصوف رهبری جمعیت اسلامی افغانستان، بزرگترین تشکل سیاسی کشور را نیز در حساسترین شرایط سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی به دوش داشت. موصوف این رهبریت را در بسا حالات وخیم تاریخی نیز در بیش از چهل سال گذشته در دست داشت که تصامیم را خیلی خونسردانه اتخاذ می نمودند. استاد، جمعیت را، از توفانی ترین شرایطی که بسیاری از احزاب و گروه های دیگر را در خود غرق ساخته بود با کمترین خسارت بیرون آورده و نامش را در سطح کشور، منطقه و جهان منحیث بزرگترین رهبر مردمی، صلحدوست و صلح آور با رنگهای زرین در تاریخ معاصر جهان حک نمود.

پروفیسور ربانی شهید بدون تردید از شخصیت های ماندنی، تاثیرگذار و مبارز تاریخ ملت ما و جهان به شمار می رود. با وجود تبلیغات منفی دشمنان ملت مان و نیز بهانه گیری های بعضی از منفی گرایان، رهبر شهید توانست چه در زمانی مجاهدت و چه در زمان روند برقراری صلح و ثبات در کشور، تا حد توان یک رهبر کار آزموده و دانشمند باشد، آرزوها، نیازها و خواست های ملت مان را بر آورده سازد. استاد ربانی نیز برای تحقق آنها اقدامات عملی را نیز انجام می داد. در زمان سلطهٔ قشون سرخ شوروی سابق در افغانستان، استاد تا زمان آوردن شکست بر قشون سرخ، همچون دیگر مجاهدین راه آزادی، انعطاف ناپذیر قد علم کرده و مبارزهٔ گرم را یگانه راه نجات و آزادی کشور از چنگال استعمار می دانست.

استاد ربانی با وصف آن که رهبر انقلابیون بودند، مثل یک مجاهد در صفوف با دیگر مجاهدین می رزمیدند. زمانی که نیروهای استعمارگر آن زمان را از افغانستان اخراج نمودند، استاد یگانه رهبری بود که برای مذاکرات با دشمنان صلح، با پیشانی باز صدایش را بالا نمود تا از خون ریزی های مردم بیچاره جلوگیری به عمل آورد. اولین انتقال قدرت را نیز استاد به نام خود با رنگهای طلایی در تاریخ معاصر نوشت. این انتقال قدرت برای اولین بار در تاریخ کشور با سلاح نه بلکه، با قلم صورت گرفت و از ابتکارات جناب استاد شهید بود. رهبر شهید، از جمله کسانی بود که معتقد به انتقام گیری از مخالفانش نبود و با طالبان که با شعارهای فریبندهٔ صلح و آرامش قد علم کردند در ابتدا راه تفاهم را در پیش گرفت. اما، پس از شناخت چهرهٔ واقعی آنها، مبارزهٔ گرم را در مقابل شان اختیار کرد. بر بیهودگی جنگ نیز تاکید داشت مگر آزادمنشی و آزادگی راهش بود. استاد شهید، ایستادگی در برابر حضور جامعهٔ بین المللی در افغانستان را تا زمانی که کشور به پای خود بایستد، نابجا می دانست. اما، از انتقادهای سریع اعمال خلاف ارزشهای مردمی نیز ابا نداشت و از ارزش ها به جدیت تام دفاع می نمود.

ص ۷

پیامبر (ص) از ولادت تا هجرت به حبشه

نزول وحی بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

زندگی پیامبر صلی الله علیه وسلم با خدیجه همراه با خوشبختی و سعادت سپری می شد و هر چه پیامبر صلی الله علیه وسلم به سن چهل سالگی نزدیک تر می شد، ویژگی های روحی و اخلاقی او مترقی تر می گردید. پیامبر صلی الله علیه وسلم هر سال ماه رمضان را در غار حراء که در کوه «نور» واقع شده بود، سپری می نمود، اما در این سال پیامبر صلی الله علیه وسلم با غار حراء انس و الفت بیشتری پیدا نموده بود و روح پیامبر صلی الله علیه وسلم به گونه ای متعالی شده بود که رؤیا های صادقانه را مشاهده می نمود و هرچه در خواب می دید، به وقوع می پیوست.

آری! خداوند جل جلاله اراده کرده بود تا لطف بی نهایت خودش را مشمول جهانیان سازد و پیامبر صلی الله علیه وسلم را به عنوان «خاتم الانبیاء» قرار دهد و دین را به وسیله ای او کامل گرداند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در یکی از روزها که برای راز و نیاز به غار حراء رفته بود، باشخصی روبرو گردید که هرگز او را ندیده بود و آن شخص کسی جز «جبرئیل امین» نبود. حضرت جبرئیل علیه السلام دراین روز حامل یک پیام بسیار بزرگ و نوید بخش برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بود و آن پیام این بود که «ای محمد! بشارت و مژده باد تورا که من جبرئیل هستم و تو پیغمبر خدا به سوی این امت هستی».

آنگاه جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «اقرأ» (بخوان) پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود: «ما انا بقاری» (من خواندن را نمی دانم). جبرئیل علیه السلام به گونه ای بسیار محکم، پیامبر (ص) را فشار داد و آنگاه گفت: بخوان به نام پروردگارت که همه ای جهان را آفریده است. انسان را از خون بسته آفریده است. بخوان، پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده تر است. از آنچه تو می پنداری، همان خدایی که به وسیله ای قلم انسان را تعلیم داد و به او چیز هایی آموخت که نمی دانست».

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بعد از نزول این آیات، یا حالتی پر از ترس و هراس غار حراء را ترک کرد و به سوی خانه شتافت؛ از شدت لرزه و ترس به همسر مهربانش، حضرت بی بی خدیجه (رضی الله عنها) گفت: (مرا بپوشانید، مرا بپوشانید). حضرت بی بی خدیجه رضی الله عنها حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را پوشاند و علت به وجود آمدن ترس و لرز در وجود پیامبر صلی الله علیه وسلم را جویا شد. بعد از این که ترس و لرز پیامبر صلی الله علیه وسلم بر طرف شد، ماجرا را برای حضرت بی بی خدیجه رضی الله عنها تعریف کرد. اما سؤالی که اینجا مطرح است، این است که چرا پیامبر صلی الله علیه وسلم دچار ترس و هراس گردید؟ جواب این است که همان طوری که حضرت موسی علیه السلام وقتی که تجلی عظمت الهی را بر کوه طور دید و بی هوش شد و از شدت خوف الهی تاب و تحمل نیاورد، این مسأله در مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز صادق است؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم از قبل آمادگی این موضوع را نداشت و انتظار نداشت که روزی با پدیده ای بزرگی به نام وحی مواجه خواهد شد و بار سنگین و خطیر نبوت بر دوش او واگذار خواهد گردید.

به خاطر این که همسر مهربان پیامبر صلی الله علیه وسلم از شخصیت والای ایشان باخبر بود، می دانست که این بشارتی عظیم برای ایشان است و به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «از آنجایی که شما در گفتار و کردار خود صادق هستید و حق خویشاوندان و ضعیفان را به جای می آورید، خدا شما را اذیت نخواند کرد».

حضرت بی بی خدیجه رضی الله عنها بعد از آن، حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم را نزد عمویش «ورقه بن نوفل» برد و ماجرا را برایش تعریف کرد. «ورقه بن نوفل» چون مطالعاتی در کتاب های گذشتگان و انبیاء الهی داشت، به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «این همان فرشته ای است که خدا او را به سوی موسی علیه السلام فرستاد است، یعنی او جبرئیل امین، وحی آور الهی است» و قوم توهمان مشکلات و مزاحمت های را برای تو ایجاد خواهند کرد که برای پیامبران پیش از تو ایجاد کردند و تو را از شهر تو (مکه) بیرون خواهند کرد.

ادامه در شمارهٔ آینده

نذرالله عنایت

از سوی جمعیت اسلامی افغانستان

از دو افتخار (شکست ارتش اشغالگر روس در ۲۶ دلو ۱۳۶۷ و حماسهٔ سوم حوت۱۳۵۸ شهریان کابل) تجلیل به عمل آمد

به روز پنجشنبه تاریخ چهارم حوت سال روان، از قیام سوم حوت ۱۳۵۸ شهریان کابل و سالگشت شکست زبونانهٔ ارتش سرخ، از سوی دارالإنشای جمعیت اسلامی افغانستان تجلیل به عمل آمد.

در این محفل به شمول شخصیت های ملی، رهبران احزاب سیاسی، نمایندگان نهادهای مدنی و صدها تن از هواداران جمعیت اسلامی افغانستان و شهروندان کابل شرکت نموده بودند.

همایش با تلاوت آیاتی قرآنکریم و سرایش سرود ملی به ساعت ده بجهٔ پیش از ظهرآغاز یافت و سپس سخنرانان بالنوبه پیرامون رویداد های تاریخی به ویژه قیام سوم حوت سخنرانی نمودند.

محمد نسیم فقیری منشی دارالإنشای جمعیت اسلامی در ابتدا ضمن برشمردن رشادت ها، انگیزه ها و عواملی که قیام های مردمی را در گوشه و کنار افغانستان برانگیخته بود، از برگزاری کنگرهٔ سراسری جمعیت اسلامی افغانستان راجع به موضوع تعیین رهبری خبر داد.

آقای فقیری از کسانی که می خواهند خود را به رهبری آیندهٔ جمعیت اسلامی کاندیدا نمایند، خواست تا نام خود را همراه با برنامه ها، به دارالإنشای جمعیت اسلامی بفرستند.

سپس صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان به جایگاه آمد و با ایراد سخنرانی پرداخت. آقای ربانی گفت: ملت های زنده ملت های هستند که روزهای تاریخی و قهرمانان شان را فراموش نمی کنند. وی تصریح کرد: یادآوری از روزهای تاریخی در تقویت وحدت ملی و روحیهٔ برادری نقش به سزایی دارد. او با بیان این که قیام کابل مربوط به یک قوم نیست، بلکه تمام اقشار مردم افغانستان اعم از زنان، مردان، روشنفکران و تحصیل کردگان شرکت داشتند، این قیام را نماد و نمونهٔ از وحدت ملی در برابر دشمنان افغانستان عنوان کرد.

در این همایش سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان گفت: **پیروزی مردم افغانستان در فرایند رستاخیر قهرمانانه ایثار و فداکاری مردم به دست آمده است، باید در پاسداشت از این میراث گرانبها نسل نو تلاش های جدی نموده و این ارزش گرانسنگ را به دوره های دور انتقال داد.**

سرپرست جمعیت اسلامی افزود، در بسیاری از کشورها روزهای تاریخی و شخصیت های ملی شان از هر نوع تعرض مصؤون اند و ملت شهید پرور افغانستان نیز باید از ارزش های ملی حفاظت و نگهداری به عمل آورند.

سرپرست جمعیت اسلامی ضمن تصریح تلاش برای برگزاری کنگرهٔ ملی برای انتخاب زعامت رهبری جمعیت اسلامی افغانستان، از تمام اعضای جمعیت اسلامی افغانستان خواست تا متحدانه در برابر توطیه ها عمل نمایند.

در این همایش آقای ربانی از حکومت افغانستان و مراجع بین المللی خواستار آن



گردید، تا پروندهٔ شهادت استاد شهید را بررسی نموده مردم افغانستان را در جریان ترور استاد شهید قرار بدهند. متن کامل سخنرانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان را در صفحهٔ سوم همین شماره بخوانید.

احمد ضیا مسعود معاون پیشین ریاست جمهوری، ضمن قدردانی از حماسه های شهریان کابل در سوم حوت ۱۳۵۸، ظهور و غلبهٔ جریان های چپ و راست افراطی را که در دو برههٔ گذشته با شعارهای متضاد و غیر واقعی قدرت سیاسی را به زور غصب نموده



بودند، فاجعه بار خواند.

در این همایش وی حاکمیت فعلی را نیز به بی برنامگی و عدم کفایت در عرصه های مختلف متهم نموده گفت: این حاکمیت قدرت حل مسایل ملی را نداشته و از تمام جریان های سیاسی و نهادهای مردمی خواست برای نجات مردم از این بحران، با هم متحد شوند.

داکتر عبدالله عبدالله رهبر ائتلاف تغییر و امید، ضمن محکوم نمودن حادثهٔ قرآن سوزی از سوی نیروهای ائتلاف در بگرام، خواهان تحقیق بیشتر در مورد شده و از مردم خواست از خشونت کار نگیرند.

داکتر عبدالله حکومت آقای کرزی را نیز به باد انتقاد گرفته تصریح کردکه، حکومت نتوانست از بیشترین امکانات طی ده سال گذشته بهرهٔ بهینه نماید.

سخنران دیگری آقای سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ ضمن ستایش از قهرمانی ها و حماسه آفرینی های شهریان کابل گفت: **تاریخ کابل آمیخته با خاطرات تلخ و شیرین است و در گاه شماری آن در سوم حوت ۵۸ ، تمام مردم افغانستان سهم گرفتند. او به ویژه نقش دختران چون ناهید شهید را در این قیام ستود و او را رودابهٔ دیگری خواند.**

در این همایش قاضی محمد امین وقاد عضو شورای عالی صلح گفت: دشمنان شاید خانه های ما را ویران کرده بتوانند، اما اراده و عقیدهٔ مردم را هرگزخاموش کرده نمی توانند.آقای وقاد تصریح کرد، **قیام سوم حوت ۵۸ موج توفندهٔ بود که سراسری گردید و نتایج آن شکست و اضمحلال اتحاد جماهیرشوروی سابق بود.**



استاد اکبری عضو مجلس نمایندگان گفت: **اگرقیام ها و مقاومت مردم در برابر تجاوز و اشغال نمی بود، دیگر مردم ما شاهد این روز ها نبود.**

استاد اکبری یکبار دیگر خواست تا از این گونه حماسه ها پاسداری نمایند.

قدریه یزدان پرست عضو پیشین مجلس نمایندگان گفت: قیام سوم حوت مردم کابل تبارز صدای ستیزه گرانهٔ مردمی بود که دست رد به مظالم و وابستگی اجانب زدند. وی تصریح کرد که پیامد این جنبش، شخصیت های کلیدی اثر گذار، چگونگی شکل گیری قیام، علل و انگیزه های آن هنوز به صورت دقیق شناخته نشده است.

خانم یزدان پرست افزود، **یکی از آفت های جامعهٔ ما انقطاع، پریشانی، افتادگی و آشفته نگری در مسیر تکامل تاریخی است که زیان های جبران ناپذیری را بر پیکر جریان های سازندهٔ کشور وارد نموده است.**

در این همایش عارف نورزی یکتن از سران قومی نیز قیام مردم کابل را ستود و از تمام مردم خواست در راه حل چالش های کنونی و ساختن افغانستان عاری از خشونت متحدانه گام بر دارند.

سید حبیب شاه حامد استاد دانشگاه کابل گفت: **روس ها تصمیم بلعیدن جهان را داشتند، اما خیزش های مردمی به ویژه در شهر کابل قلب تپندهٔ افغانستان، ابطال ماتریالیزم دیالکتیک و جسد های مومیایی شدهٔ آن را به نمایش گذاشت.**

وی افزود، قیام های مردمی در کشور ذهنیت مادی گرائی قرن ۲۰ را به بن بست کشاند و عملاً جغرافیای سیاسی آن را تغییر داد.

عبدالحفیظ منصور با اشاره به قیام های مردمی و در مقایسه به زندگی کنونی میراث داران جریان مقاومت گفت: **متأسفانه خلای تیوریک بین نسل جدید و قیام گران ۳۳ سال پیش وجود دارد. او قیام حوت را سند برائت جهاد مردم افغانستان عنوان نموده افزود که، دشمنان می گفتند، تنها مردمان دهات هستند که تحت تأثیر تبلیغات علماء رفته اند، اما قیام کابل نشان داد که، جامعهٔ با سواد ما در پایتخت افغانستان نیز از وابستگی و بیگانه پرستی در انزجار بوده خشم و نفرین خود را با سردادن شعار (الله اکبر) به نمایش گذاشتند.**

در حاشیهٔ این همایش مستندی نیز از قیام سوم حوت به اکران رفت که توجه اشتراک کنندگان را برانگیخته و در نهایت محفل بزرگداشت، با دعائیهٔ محترم آقای فاضل حسینی به پایان رسید.

فضل الرحمن رحمانی

بازخوانی بهار عرب در آستانۀ سالگرد آن

شاید یک سال قبل کسی حرف از انقلاب و شورش در کشور های عربی که شدیداً از رژیم های دیکتاتوری آمیخته با پیروی پروپاقرص از سیاست های غرب به میان می آورد ناممکن و سفیهانه به نظر می رسید. نگاه اجمالی به تاریخ جهان عرب نشان می دهد که پایان جنگ اول جهانی، افول استعمار و پایان سیطرۀ کشورهای اروپایی در منطقۀ خاورمیانه را درپی داشت که منتج به ایجاد کشورهای مستقل عربی گردید. این تحولات اعراب را در دورۀ کوتاهی مشحون از شور و شعف نمود اما این خرسندی گویای بادی تندی خزانی بود که بسیار تند اما کوتاه وزید. زیرا بیداری اسلامی، پان عربیسم و ایجاد رژیم اشغالگر قدس اوضاع منطقه را کاملا دگرگون و بحرانی نمود.

- تاسیس نهضت اخوان المسلمین که تداوم جنبش بیداری سیدجمال افغان و محمد عبده، توسط امام حسن البناء در سال ۱۹۲۸م نقطۀ عطف در تاریخ حرکت های اسلامی در جهان بود. حرکت اخوان برنامۀ هدفمند خویش را برای حکومتداری اسلامی در مقابل سایر نظام های سیاسی ارایه نمود و برای برپایی حکومت اسلامی تلاش های پیگر نمود. اندیشۀ حکومت اسلامی واکنشی بود به نظام سیکولار که به عنوان الگوی حکومت داری با حمایت غرب در کشورهای اسلامی تبلیغ می گردید.
- پان عربیسم: ریشه های این طرز فکر را شاید در اشعار اعراب قبل از اسلام بهتر یافت، اما شدت این اندیشه در اوایل قرن بیست با حمایت بریتانیا علیه خلافت اسلامی نمودار گردید. انقلاب مصر و به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر روحی تازه به این حرکت داد اما شکست ناصر در برابر اسرائیل موجب کاهش هواداران آن در میان اعراب گردید. تاسیس حزب بعث که مخلوط از اندیشه های ناسیونالیسم عربی و سوسیالیسم، در سوریه و گسترش آن به سایر کشورها از جمله عراق در راستای همین اندیشه تلقی می گردد.
- معاهدۀ وارسای که شالوده های نظام بعد از جنگ اول جهانی را ترسیم نمود. کشورهای عربی، جدا شده از امپراتوری عثمانی را میان دو کشور به عنوان قیم تقسیم نمود (بریتانیا و فرانسه) عراق و فلسطین متعلق به انگلیس گردید. سوریه و لبنان نیز الی زمانی که که قادر به ادارۀ خویش گردند برای فرانسه سپرده شد.

انگلیس با وقوف به افول جایگاه تاریخی خویش در منطقه و همچنین تحت فشار لابی قدرتمند یهودی، تصمیم به ایجاد کشور مستقل اسرائیل را گرفت که اعلامیۀ بلفور این سیاست را رسمیت بخشید.

سیاست اسکان شهرک نشینان یهودی در فلسطین با روی کار آمدن هتلر در آلمان و سیاست تعقیب و مجازات رژیم نازی علیه یهودیان باعث تسریع این روند گردید به نحوی که همین شهرک نشینان در سال ۱۹۴۸ کشور مستقل اسرائیل را اعلام نمودند این اعلام باعث ایجا غدۀ سرطانی خاورمیانه گردید که تاهنوز لاینحل باقی مانده است و منشاء بسیاری از جنبش های افراطی در منطقه می باشد.

عوامل بروز انقلاب در جهان عرب

در این مورد نظریات متعدد و گاه متفاوت ارایه گردیده است. شاید دو نوع نگرش بیشتر از هم متفاوت باشند وآن تفسیری است که مطبوعات از بهار عرب ارایه می نمایند البته دیدگاه مستقل هم وجود دارد که آن دیدگاه ها در آن لحاظ می گردید.

رسانه های غربی بهار عرب را بیشتر در مشکلات اقتصادی آن جستجو می کنند. رشد پائین اقتصادی، درآمد پائین، تورم بالا مشکلات عدیده را در زندگی اعرابی به وجود آورده است که شاهرگ های مهم اقتصادی جهان در آن قراردارد.



فساد سیاسی در جهان عرب به تبع فساد اقتصادی گسترده را به وجود آورده است. قرار گرفتن تمام امکانات در دست یک خانواده و محروم ماندن اکثریت جامعه از رفاه و آسایش، زخم های عمیق را در جوامع عربی به جای گذاشته طوری که محمد بو عزیزی را وادار به خود سوزی نمود، و اولین جرقه های انقلاب را دمید.

از همان روزهای اول بهار عرب، مطبوعات ایرانی به آن عنوان (بیداری اسلامی) ارایه نمودند، که منشأ آن را انقلاب اسلامی ایران تشکیل می دهد. بنابر این نظریه، اعراب از اینکه غربی ها همیشه با آنها خیانت نموده است به ویژه در قضیۀ فلسطین قابل مجازات هستند، اما برعکس حکام جابر در کشورهای شان باپیروی تام از سیاست های غرب در منطقه و عدم اتخاذ سیاست مشخص علیه رژیم اشغالگر قدس به آرمان های آنها خیانت نموده اند.

اما علاوه از دو دیدگاه بالا، دیدگاه سوم اینست که، نظریۀ سوم ضمن قبول مشکلات اقتصادی و عدم اقبال عمومی اعراب از رابطۀ صمیمی کشورهای شان باغرب، فرسوده بودن نهادهای سیاسی که باعث فساد گستردۀ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای عربی گردیده را نیز در شروع بهار عربی مهم دانسته اند. به طور مثال، قانون حالت اضطرار در تمام دوران حکوت حسنی مبارک در مصر جاری بود که خود تداعی کنندۀ فرسوده بودن نظامی بود که نمی تواند بدون اعلام آن حالت به حیات خویش ادامه دهد. تداوم قدرت در دستان قذافی باعث گردیده بود که تمام نهادهای دولتی در لیبی مایملک شخصی پسران وی گردد. و هم نقش شبکه های اجتماعی چون فیسبوک وتویتر را در بسیج اعراب برای انقلاب نباید نادیده گرفت، از سوی دیگر نقش کلیدی را که رسانه های چون الجزیره در اطلاع رسانی درست و به موقع ایفاء نموده اند، نیز درخور اهمیت می باشد.

به هر حال تمام دلایل که در فوق ذکر گردید به صورت کل در شروع بهار عربی نقش داشته اند، که باتوجه به شرایط کشورهای مختلف عربی، یکی از عوامل فوق نقش کلیدی داشته است به طور مثال، در شروع انقلاب تونس مشکلات اقتصادی عامل محوری را تشکیل می دهد. در حالی که در شروع انقلاب مصر رابطۀ آن کشور باغرب و به ویژه با اسرائیل، تضعیف جایگاه منطقه ای مصر، فضای حاکم در آن کشور و مشکلات اقتصادی، همه نقش یکسانی را ایفانموده اند.

اما در لیبی تنها مشکل مردم فضای خفقان حاکم بر وضعیت سیاسی آن کشور بود و برخلاف دو کشور همسایۀ خویش در وضعیت بهتر اقتصادی قرار داشتند و هم رابطۀ کشورشان با غرب و اسرائیل حسنه نبود.

دستآوردهای بهار عرب؛

بهار عرب تا اکنون موجب براندازی چهار دیکتاتور گردیده است، زین العابدین بن علی در تونس، محمد حسنی مبارک در مصر، معمرالقذافی در لیبی و علی عبدالله صالح در یمن، و باعث تسریع اصلاحات در کشورهای اقتدارگرای چون مراکش و اردن گردید. این روند درسایر کشورها کماکان در جریان می باشد، و حد اقل سرنوشت دو نظام، بشارالاسد در سوریه و آل خلیفه در بحرین در آیندۀ نه چندان دور مشخص خواهد شد. از سوی دیگر پیروزی اخوان المسلین در کشورهای عربی موجب گردیده است که آنرا بهار اخوان نیز تلقی نمایند. زیرا که در فردای بهار عرب این اخوان بود که قدرت را، یک کشور بعد ازکشور دیگر در دست گرفت، این امر در ذات خویش باعث برهم خوردن سامانه های قدیمی قدرت منطقه که در راستای حفظ منافع اسرائیل با حمایت غرب ایجاد گردیده بود، می گردد. غربی ها نگرانی عمیق خویش را از این بابت ابراز نموده اند اما آنچه را که نباید نادیده گرفت تقاضای جمعی اعراب برای آزادی می باشد، تا بتوانند خود برسرنوشت خویش حاکم گردند. موردی که حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز اخیراً طی گزارشی، از کشورهای غربی تقاضا نمود تا به خواست مردم در کشورهای عربی احترام بگذارند.

آنطوری که معلوم می گردد، بهار عرب طولانی تر از آن خواهد بود که تصور می گردید. به تبع تاثیرات آن نیز گسترده و در درازمدت بیشتر آشکار می گردد.

حذف تاریخ چهل سال اخیر...

پرده پوشی بر دخالت آنان در کشور ما است. صرف نظر از اینکه وزارت معارف از روی عمد به چنین کاری دست یازیده باشد یا نه، اما حذف بخشی از وقایع چهل سال اخیر به ویژه جنگ های دهۀ نود از تاریخ رسمی مکاتب حذف بزرگ دخالت و تجاوز پاکستان از این مقطع تاریخ کشور ما می باشد. در این دوره نه تنها پاکستان در جنگ افغانستان نقش مستقیم و گسترده داشت که اسارت صدها پاکستانی و قتل صدها تن دیگر در مناطق و جبهات مختلف افغانستان شاهد این تجاوز است، بلکه جنگجویان عقده مند و کینه توز عرب و عجم چون سازمان القاعده نیز در این تجاوز نقش و حصه داشتند.

کاهش اعتماد بر تاریخ رسمی و دولتی:

اقدام ناموجه وزارت معارف که در واقع بازی ناشیانه با تاریخ است پیامد های بسیار منفی برای تاریخ رسمی و دولتی و مضمون درسی تاریخ در مکاتب دارد.

تاریخ که تبیین درست وقایع پیشین است برای تجربه و عبرت آیندگان ثبت و ارائه می شود. کتمان و تحریف در تاریخ ما را از درک صحیح حوادث و شناخت عملکرد خوب و بد گردانندگان و نقش آفرینان آن باز می دارد. تاریخ یک جامعه و یک کشور در هر مقطعی از زمان با تمام خوبی ها و زشتی هایش واقعیتی متعلق به آن جامعه و کشور است. تاریخ را نمی توان به صورت گزینشی بیان کرد. به گونه ای که از خوبی هایش افسانه ساخت و به آن بالید و از زشتی هایش انکار کرد و یا از بیانش سر باز زد.

تاریخ رسمی و دولتی افغانستان که در سده های اخیر بانقش و دخالت دولت مردان نگاشته شده و به خصوص تاریخ سدۀ اخیر به عنوان تاریخ رسمی مضمون درس مکاتب و مؤسسات آموزشی و تحصیلی افغانستان پر از کتمان و تحریف است. اما دیگر آن عصر انحصار نگارش تاریخ توسط دولت و دولتمداران تاریخ نویس به سر آمده است. تنها نتیجه بر آمده از این اقدام وزارت معارف بی اعتباری تاریخ رسمی و دولتی خواهد بود. نسل جدید افغانستان به جای آنکه وقت خود را به مطالعه تاریخ گزینشی و تحریف شدۀ سرکاری تلف کنند وقایع تاریخ را در منابع دیگر جستجو می کنند.

صلح، آرزوی استاد...

همین روحیۀ صلحخواهانۀ استاد بود که ریاست شورایی عالی صلح را نیز پذیرفت تا رهبریت صلحخواهانه اش را برای جهانیان ثابت سازد. با وجود تبلیغات شدید دشمن و طعنه های بعضی از رهروانش، ایشان گام های عملی در این راستا نیز برداشتند. همچنان، شهید صلح از انتقاد اعمال ضد اسلامی و میهنی دشمنان افغانستان و به ویژه طالبان، نیز دست بردار نشد. در آخرین سخنانش در دو همایش بزرگ ملی و بین المللی، از آنها به نام شاگردان دو روزۀ مدرسه یاد آوری نموده و اضافه نمودند که، آنها اکنون دارند نام اسلام را خدشه دار می سازند. استاد نیز در مورد فتوای شاگردان دو روزۀ مدرسه یی افزود که، حالا طالبان دارند علمای قوی جهان اسلام را نیز کافر خطاب می کنند در حالی که ایشان دو روز یا سه روز به دروازه های مدرسه ها برای درس رفته و کورکورانه تدریس گردیده اند. کوتاه این که، استاد شهید، چنان که ویژگی یک رهبر توانا و دراک تقاضایش را دارد، با شناخت نیاز های زمان و دادن ارجحیت به خواست های مردم در مقاطع مختلف زمانی و سیاسی راهی را در پیش گرفت که به خیر جامعه و ملت باشد. تاریخ در آینده نمایانگر آن است که مردم بدانند هر پیشرفت و تغیر مثبتی در قضایای کشوری و روند صلح و ثبات آوری صورت می گیرد، بیشتر مرهون شخصیت، افکار و کارکردهای آن استاد شهید است که اکنون آن را نمی دانند. تاکید می دارم که در مورد تاریخ قضاوتش را خواهد کرد. استاد شهید تنها یک فرد نبود بلکه، یک چراغی بود در میان ملت مان که همه از سنگینی و موجودیت او به گونه های مختلف جهت معرفی خود به جامعه، کار می گرفتند. استاد، نمادی از آزادمنشی و روشنفکری در میان مان بود که اکنون نبودش تاریخ را به گونۀ دیگری ورق زده و امیدواریم راهش را دولتمردانمان ادامه دهند. در حال حاضر، دولت افغانستان به آشتی ملی و سهیم ساختن تمام مردم افغانستان در سرنوشت سیاسی شان مطابق به هدایات قانون اساسی متعهد است. در این راه تلاش های را نیز انجام داده است. به این باور هستیم که جنگ تنها راه رسیدن به صلح و ثبات نیست بلکه، تاکید ما این است که باید ابعاد مختلف اقدامات نظامی، اقتصادی و سیاسی به کار گرفته شود تا بتوانیم به هدف ملی خویش نایل گردیم. آرزوی همۀ مان این است که روزی تمامی شهروندان در کنار یکدیگر به زندگی مسالمت امیز ادامه داده و در عرصه های مختلف سرمایه گذاری ها نیز انجام شود تا زندگی به صورت درستش ادامه یابد.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان كه در راه ما با جان ومال جهادكردند محققاً آنان رابه راه خويش هدايت مى‌كنيم و هميشه خدا يار نيكو كاران است

قرآن كريم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و ششم ٦حوت ١٣٩٠ ٣ ربیع الثانی ١٤٣٣ - 25 February 2012

اندیشمند

حذف تاریخ چهل سال اخیر، و دیدگاه نادرست

کج فهمی و نافهمی از مقولهٔ وحدت ملی

به نظر می رسد که وزارت معارف کشورما تعریف صحیح و درک درستی از مفهوم وحدت ملی و تحقق آن در افغانستان ندارد. حذف بخشی از تاریخ چهل سال اخیر از کتاب های درسی مکاتب و مدارس توسط وزارت مذکور به گمان مسوولان آن وزارت اقدام موجه در جهت تأمین وحدت ملی است. اما طراحان و دست اندرکاران این دیدگاه در بزرگترین، کلیدی ترین و مهم ترین وزارت افغانستان نکات غلط و غیر موجه این اقدام خویش را مورد توجه قرار نداده اند.

ذهنیت سازی غلط در شکل گیری وحدت ملی:

وزارت معارف افغانستان این پرسش مهم را در برابر خود قرار نداده است که آیا می توان سنگ بنای وحدت ملی را در ذهنیت و افکار نسل جدید و جوان کشور افغانستان با چشم پوشی بخشی از تاریخ و در واقع با بیان دروغ گذاشت؟

آیا منابع آگاهی نسل جدید افغانستان در مورد تاریخ چهل سال اخیر به کتاب های درسی وزارت معارف محدود است؟ اقدام وزارت معارف در حذف بخشی از تاریخ چهل سال اخیر به بهانهٔ تأمین وحدت ملی در میان نسل جدید افغان ها این پرسش را به میان می آورد که آیا مسوولان این وزارت از لحاظ ذهنی یک سده قبل از امروز قرار دارند که فکر می کنند منبع دسترسی با تاریخ چهل سال اخیر تنها کتاب های درسی آنها است؟

آیا وزارت معارف نمی داند که نسل جدید امروز در عصر ماهواره و کمپیوتر، عصر انترنیت و تیلفون همراه و در عصر انقلاب رسانه ها زندگی می کنند و هیچ حادثه ای در تاریخ جامعه و کشور از نظر آنها پنهان باقی نمی ماند؟

پیامد معکوس:

اگر انگیزهٔ وزارت معارف در حذف بخشی از تاریخ چهل سال اخیر عدم آگاهی نسل جدید و جوان از وقایع این دوره باشد تا به وحدت ملی آسیب نرسد، بر عکس نسل جدید به فهم بیشتر و دقیق تر این مقطع تاریخ وسوسه می شوند. آنها برای فهم حوادث تاریخی این دوره و کشف علل و عوامل آن به منابع مختلف مراجعه می کنند. بحث و ارزیابی متفاوت و متضاد منابع در این مورد شناخت حقایق این مقطع تاریخ را به نسل جدید پیچیده و دشوار می سازد. وحدت ملی در میان همین پیچیدگی های فکری نسل تازه و جوان افغانستان آسیب می بیند؛ آنچه را که وزارت معارف می خواهد با انکار یک بخش تاریخ از آن جلوگیری کند.

وحدت ملی متاع قابل خرید و کالای وارداتی نیست. وحدت ملی را نمی توان در افغانستان بر مبنای انکار و اغماض از واقعیت های تاریخی و اجتماعی شکل داد. وحدت ملی برخلاف تصور وزارت معارف افغانستان که با حذف وقایع تاریخی در صدد تأمین آن است از راه بیان درست این وقایع محقق می شود. زیرا با بیان صحیح حوادث تاریخی و بررسی دقیق و علمی عوامل آن می توان به راه حل بحران های سیاسی و اجتماعی از جمله بحران وحدت ملی دست یافت.

چشم پوشی عمدی از دخالت همسایگان:

یکی از پیامدهای اقدام وزارت معارف در حذف بخشی از وقایع تاریخ چهل سال اخیر نادیده گرفتن دخالت همسایگان و کشورهای منطقه به خصوص ص۷

شفیق

د ډېرو ورښتونو او سیلابونو پر مهال د حکومت او خلکو مسؤلیتونه

د څو کلونو پرله پسې وچکالیو لامله که له یوې خوا ولس له ورښتونو او د بارانونو له الهي نعمت څخه مایوسه شوی وو، نو له بلې خوا د نویو ښارګوټو په جوړولو کې هم دا له پامه غورځیدلې ده چې آیا دا ځای د ښارګوټي او یا کورونو آبادولو لپاره مناسب دی او که نه؟ څو د دوه دریو کلونو په دوران کې نسبي ورښتونو او په ځانګړې توګه سږکال پریمانه ورښتونو ښایې د حکومت او ولس غوږونه ټکولي وي او دې ته یې پام راوړیدلی وي چې پریمانه ورښتونه د ډېرو سیلابونو او سیندونو د ډکیدلو پایلې له ځان سره لري، هغه څه چې افغانان یې له مودو راهیسې تږي دي او ورته انتظار باسي.

له بلې خوا د یویشتمې پیړۍ د پیله سره سم چې په جنوبي اسیا کې د سیلابونو د لړۍ دغه لس کلن تاریخ ته وکتلی شي نو جوتیږي چې دغه لړۍ د سری لنکا، بنګله دیش، هندوستان. کشمیر او پاکستان له هیوادونو راهیسې د افغانستان لورې ته را روانه ښکاري؛ چې څو کلونه وړاندې سونامي د بنګله دیش، سری لنکا او هندوستان هیوادونه ځپلي وو او بیا تیرکال په پاکستان کې د سندهـ د پراخې صوبې (آیالت) له نیمایي څخه زیات هستوګن هم سیلابونو بې کوره کړي وو. او همدارنګه تیر کال ددغو سیلابونو نښې د افغانستان په ځینو ولایتونو لکه پکتیا، پکتیکا او په ننګرهار کې د خوګیانیو، پچیرواګام، حصارك، چپرهار، خیوې او جلال آباد په ښار کې څرګندې شوې او ډېرې خرابۍ رامینځته کړې وې. او هم درې کلونه وړاندې همدغو سیلابونو د پروان او بغلان سیمې ډیرې زیاتې ځپلی وې چې سږ کال واورو او ډېرو ورښتونو د بدخشان ولایت، غور او مزارشریف ولسوالۍ ډیرې خرابي کړي او هم یې په مرکزي ولایتونو، کابل او بامیان کې د نورو کلونو په نسبت کچه ډیره شوې ده؛ چې په طبیعي توګه به ددې ډیرو ورښتونو پایلې ډیر زیات سیلابونو وي؛ او ښایي د پسرلي په موسم کې به یې نتایج څرګند شي. نو وړاندې له دې چې د هیواد د اضطراری حالتونو سره د مبارزې ریاست او ورسره اړیکې لرونکې وزارتونه بیا د پیښو په وړاندې عاجز پاتې شي او لکه چې سږکال د بدخشان خلکو ته په لیرې پرتو سیمو کې ددې سره سره چې ددغه ریاست لخوا کومکي غذایي مواد او توکي له وخته لیږدول شوي هم وو. تر اوسه ندي رسیدلي او ورښتونو ځپلی د بدخشان د لیرو ولسوالیو خلك لاتراوسه هم شکایت کوي، کیدای شي چې بیا د سیلابونو په نتیجه کې متضرر کیدونکي خلك بې یاره او مدد ګار پاتې شي، نو د اړونده ریاست او د افغانستان د حکومتي چارواکو دنده ده چې له اوس څخه د احتمالي زیانونو خواب ویونکي واوسي او پدې لړ کې د سیلابونو د ډیرښت د هغو عواملو په کمولو کې له اوس څخه تدابیر ونیسي او موانع او خنډونه لیرې کړي چې سیلابونه د خپلو دایمي او اصلي مسیرونو څخه د آبادیو مسیرونو ته راګرځوي چې دا د طبیعي آفاتو او اضطراري حالتونو سره د مبارزې په لړ کې لومړني لنډ مهاله تدابیر دي چې باید په وخت په کار واچولی شي. څو د افغانستان د بیا رغولو په لړ کې بند شوي د سیلابونو پخواني مسیرونه پاك او له خنډونو څخه خالي کړای شي.

همدارنګه د اوږد مهاله تدابیرو په توګه باید مرکزي حکومت او ښاروالۍ ګانې د هر ښارګوټي د جوړولو پر مهال ولس او په کلیو او ولسوالیو کې مخوران او حکومتي چارواکي د آبادیو د جوړولو پر مهال د ښارګوټو او آبادیو موقعیتونه له هر لحاظه او په ځانګړې توګه د احتمالي سیلابونو په مسیر کې د واقع کیدو له مخې مطالعه کړي؛ څو د سیلابونو په مسیر کې نوي آبادۍ او ښارګوټي جوړ نشي لکه چې ددغه واقعیت په پام کې نه نیولو له مخې د جلال آباد ښار جنوب ختیځه سیمه تیر کال سیلابونو وځپله چې د نجم الجهاد، دولت زیو او شمشاد مینې په ښارګوټو کې په هغو سیلاب مسیرونو کې هم ددغو ښارګوټو د مسوولینو لخوا د آبادیو په جوړولو سره د سیلابونو مخه د ښار د جنوب ختیځ په لورې شوه چې په نتیجه کې یې تیر کال ډیر زیات زیانونه د جلال آباد ښار ددغې سیمې اوسیدونکو ته واړول؛ پداسې حال کې چې پخپله دغه آبادۍ هم په لا قانونه توګه په سیلاب مسیرونو کې جوړې شوې دي. او دا ډول ستونزې اوس د هیواد په ګڼو ولایتونو کې امکان لري چې راپیښې شي اوپه ډیرو ولایتونو کې د لویو لارو د بندیدو لامل هم وګرځي. نو پدې هکله دقیقه بررسي او د پیښې، د رامینځته کیدو دمخه د هغو عواملو مخنیوی او ازاله د حکومت او ولس ګډه دنده ده چې باید په وخت ورته پام ولری.

امتحان کانکور سال ۱۳۹۰

نوشتهٔ تکساری

شماری اشتراک کنندگان امتحان کانکور امسال به بالاتر از ۱۶۰هزار تن می رسد. این امتحان در ۲۸ ولایت افغانستان برگزار شده است و الی تاریخ ۲۰ حوت قرار است به شمول کابل و ولایات همجوار آن امتحان کانکور به پایان برسد. اسناد نشان می دهد: که ۳۴۴۶۰ تن به تحصیلات عالی جذب می گردد. به گفتهٔ یکی از مسوولان وزارت تحصیلات عالی نتایج باقی مانده، در اختیار وزارت معارف و صحت عامه قرار داده می شود، تا آنها نظر به نیازمندی خود آنها را در تربیهٔ معلم و انستیتوت های صحی کوتاه مدت و دراز مدت جذب نمایند. جذب امسال ۴،۵ فیصد افزایش را در تحصیلات عالی نشان می دهد. از نظر کمی هم اکنون شانزده پوهنتون دولتی، پانزده موسسهٔ تحصیلات عالی در ولایات و یک انستیتوت تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی در وزارت مخابرات و اکادمی نظامی برای دختران در کشور وجود دارد که از طریق این کانکور برای آنها دانشجو جذب می گردد. ظرف سال های آخر در کنار پوهنتون های دولتی و موسسات تحصیلات عالی در مرکز و ولایات کشور، موسسات تحصیلا ت عالی خصوصی در مرکز و ولایات کشور به فعالیت آغاز نموده است و شاگردان می توانند به این موسسات با پرداخت هزینهٔ معین به این موسسات به راحتی راه پیدا نمایند.

هرچند وزارت تحصیلات عالی به این موسسات خصوصی عالی اجازهٔ فعالیت و حضور در جامعه داده است اما جانب دولت به این باور است که از این موسسات خصوصی طوریکه لازم است، مراقبت جدی به عمل نمی آید. به هر صورت در میان پوهنتون های دولتی و خصوصی یک نوع رقابت به میان آمده است؛ همان طوریکه از جریان تدریس و چند و چون پوهنتون های دولتی که تازه در ولایات به فعایلت آغاز نموده است، معلومات چندانی در دست نیست و دانشجویان از جریان تدریس در این موسسات راضی به نظر نمی رسند، و همین گونه موسسات تحصیلات عالی خصوصی قبل از آنکه دارای یک برنامهٔ مکمل تخصصی بوده باشد، یک موسسهٔ انتفاعی است و باید برای صاحبان آن پول کماهی کنند. موسسات تحصیلات عالی خصوصی مدعی است که برای فارغان این موسسات زمینهٔ کار و اشتغال نسبت به پوهنتون های دولتی بیشتر خواهد بود و فارغان می توانند با مارکیت کار راه یابند. در موسسات تحصیلات خصوصی فاکولته های ساینس و تکنالوژی، منجمنت، اداره، آی تی، اقتصاد، انجنیری، طب و.... گنجانیده شده است تا در بازار کار فارغان آن بتوانند به رقابت بپردازند؛ اما آنچه در پوهنتون های دولتی و موسسات تحصیلات عالی خصوصی قابل گفتنی است، کمبود کیفیت در نظام درسی آنها می باشد. در گام نخست امروز وزارت تحصیلات عالی در خلاء قانونی قرار دارد و قانون سال ۱۳۶۸ در این وزارت ص۲